



به خرید کتاب دانسته و اظهار کرد: «ما درگیر یک بحران اقتصادی و گرانی لجام گسیخته هستیم و در چنین شرایطی معمولاً فرهنگ اولین قربانی است. آدم‌ها باید اول بتوانند زندگی کنند تا بعد سراغ کتاب، موسیقی یا دیگر فعالیت‌های فرهنگی بروند.»

وی با اشاره به این که نمایشگاه مجازی پیش از هر چیز، نوعی «یادآوری جمعی» برای خرید کتاب است، گفت: «اتفاق خیلی عجیب و متفاوتی رخ نمی‌دهد؛ چون مردم قبل از آن هم می‌توانستند کتاب را از فضای مجازی خریداری کنند. اما وقتی یک موج رسانه‌ای شکل می‌گیرد و ناشران هم‌زمان تبلیغ می‌کنند، تخفیف می‌دهند و جریان فرهنگی ایجاد می‌شود، همان مسئله نمایشگاه را ویژه می‌کند.»

به گفته ضابطیان، در دوران همه‌گیری کرونا بسیاری از رویدادهای فرهنگی جهان ناچار شدند شکل تازه‌ای به خود بگیرند: «فقط کتاب نبود؛ جشنواره‌های آنلاین فیلم، جشنواره‌های موسیقی و خیلی از رویدادهای فرهنگی دیگر هم در همان دوره به صورت آنلاین برگزار شدند. کتاب هم یکی از همان شاخه‌های فرهنگی است که وقتی در یک بازه زمانی کوتاه روی آن تمرکز ایجاد می‌شود، می‌تواند حال و هوای متفاوتی پیدا کند.»

این مجری و برنامه‌ساز همچنین درباره بحث «عدالت فرهنگی» و دسترسی مردم شهرهای مختلف به کتاب معتقد است وضعیت امروز با گذشته تفاوت زیادی کرده است: «الان وقتی شهرهای مختلف می‌رویم و شهرکتاب‌ها یا کتاب‌فروشی‌های بزرگ را می‌بینیم، واقعاً دیگر مثل گذشته نیست که مردم دسترسی به کتاب نداشته باشند.»

وی در ادامه با اشاره به گسترش پلتفرم‌های فروش کتاب که نسخه الکترونیکی، صوتی و فیزیکی کتاب را در اختیار مخاطبان قرار می‌دهند، گفت: «این فضاها آن قدر برای مخاطبان آشنا شده‌اند که فکر نمی‌کنم دیگر کمبود جدی‌ای احساس شود. به نظر من عدالت یا بی‌عدالتی فرهنگی، دست‌کم در حوزه کتاب، دیگر مثل قبل موضوعیت ندارد؛ چون کتاب امروز قابل دسترسی است.»

البته ضابطیان معتقد است در برخی حوزه‌های فرهنگی همچنان مسئله بی‌عدالتی وجود دارد و اذعان کرد: «در تئاتر و موسیقی ممکن است این مشکل همچنان دیده شود، چون جابه‌جایی گروه‌ها و اجرای برنامه در شهرهای مختلف هزینه‌بر و دشوار است، اما کتاب را می‌توان خیلی راحت سفارش داد؛ چه نسخه الکترونیکی که همان لحظه دریافت می‌شود و چه نسخه فیزیکی که از طریق پست به دست مخاطب می‌رسد.»

او درباره تجربه شخصی خودش از نمایشگاه امسال نیز افزود: «هنوز خریدی انجام نداده‌ام، چون در طول سال به‌طور مرتب کتاب تهیه می‌کنم. من معمولاً در طول سال، چه نسخه الکترونیکی و چه نسخه فیزیکی، مرتب کتاب می‌خرم. برای همین نمایشگاه برای من خیلی تفاوت ویژه‌ای ایجاد نمی‌کند، اما به هر حال خوشحالم که چراغ نمایشگاه روشن مانده است.»

این نویسنده ادامه برگزاری رویدادهای فرهنگی را حتی در شرایط دشوار امروز، اتفاقی امیدوارکننده

بگیرم، ورق بزنم و ببینم. بوی کاغذ، ورق زدن، اینکه شب موقع خواب از این صفحه به آن صفحه بروی و یک تکه کاغذ لای کتاب بگذاری تا بدانی کجا بوده‌ای؛ این‌ها عادت‌هایی است که نسل ما نمی‌تواند فراموش کند.»

این نویسنده و کارگردان افزود: «اگر نمایشگاهی نیست، من خودم می‌روم کتابفروشی‌ها. می‌روم نشر باغ، کتابفروشی آقای جباری، نشر تاریخ و جاهای دیگر. کتاب‌های تازه را نگاه می‌کنم، ورق می‌زنم و از خود کتابفروشی‌ها می‌پرسم چه چیزی تازه منتشر شده است.»

فروتن در ادامه با اشاره به دیدار اخیرش با یکی از کتابفروشی‌ها اظهار داشت: «هفته گذشته در مراسم رونمایی کتاب حمید علیدوستی به کتاب فروشی حمید جباری رفتم و همان‌جا چند کتاب خریدم. همان‌طور که گفتم من کتاب را باید ببینم. من نمی‌توانم فقط درباره‌اش بشنوم یا آنلاین انتخاب کنم.»

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش، به مسئله دسترسی مردم به کتاب و موضوع عدالت فرهنگی اشاره کرده و معتقد است در نبود نمایشگاه هم می‌توان راه‌های دیگری برای ارتباط مردم با کتاب ایجاد کرد.

فروتن گفت: «کتابفروشی‌ها و ناشران می‌توانند برنامه‌های هفتگی برگزار کنند، کتاب‌های تازه را معرفی کنند و تخفیف بدهند تا مردم بیشتر جذب شوند. این برنامه‌ها نباید فقط محدود به تهران باشند. می‌توان نویسندگان را به شهرهای مختلف دعوت کرد. حتی به نظر من باید یک فضای دائمی برای کتاب وجود داشته باشد؛ مثلاً گوشه‌ای از پارک‌ها را به کتاب اختصاص بدهند تا مردم وقتی برای تفریح می‌آیند، بتوانند کتاب هم ببینند و بخرند.

کتاب به نظر من خرید کتاب فقط یک مسئله شخصی نیست، بلکه نوعی حمایت فرهنگی از نویسندگان و ناشر تلقی می‌شود.»

او همچنین از انتشار کتاب تازه‌اش خبر داد: «رمانی با عنوان «میترا هستم» که به گفته خودش این روزها آماده انتشار است و قرار است مراسم رونمایی آن برگزار شود. فروتن درباره داستان این کتاب توضیح داد: «قصه درباره یک زن و شوهر جوان است که مرد در یک تصادف از دنیا می‌رود، اما زن تصمیم می‌گیرد زندگی را ادامه بدهد، چون فکر می‌کند زندگی تمام نشده است. میترا مانند دیگر زنان داستان‌هایش که معمولاً زنانی قدرتمند و تصمیم‌گیر هستند، زن قوی‌ای است. من همیشه زن‌های قصه‌هایم را از میان زن‌های قوی انتخاب می‌کنم.»

فروتن در توضیح فضای داستان «میترا هستم» اظهار داشت: رابطه این زوج جوان، رابطه‌ای متفاوت و صمیمی است؛ تا جایی که مرد بدون تشریفات معمول و ناگهانی از خانواده‌ها می‌خواهد همان‌جا عقد را برگزار کنند؛ می‌گوید «نمی‌خواهم بعداً هزینه عروسی بدهم، ترجیح می‌دهم با آن پول ایران را بگردیم.»

فروتن در توضیح فضای داستان «میترا هستم» اظهار داشت: رابطه این زوج جوان، رابطه‌ای متفاوت و صمیمی است؛ تا جایی که مرد بدون تشریفات معمول و ناگهانی از خانواده‌ها می‌خواهد همان‌جا عقد را برگزار کنند؛ می‌گوید «نمی‌خواهم بعداً هزینه عروسی بدهم، ترجیح می‌دهم با آن پول ایران را بگردیم.»

محمد عزیزی، نویسنده و مدیر انتشارات روزگار: «وقتی فروش ناشر صفر است، اسمش نمایشگاه نیست»

محمد عزیزی، نویسنده و مدیر انتشارات روزگار: «وقتی فروش ناشر صفر است، اسمش نمایشگاه نیست»

ذکر، معتقد است مشکل اصلی نمایشگاه امسال فقط مجازی بودن آن نیست، بلکه نبود زیرساخت مناسب و بحران اقتصادی صنعت نشر است. او با انتقاد از وضعیت سامانه فروش نمایشگاه اظهار کرد: «اولین کاری که باید انجام می‌شد این بود که سیستم فروش آنلاین قوی باشد. اما ناشری که نزدیک سی سال سابقه حضور در نمایشگاه دارد، هنوز فروشش تا چند

دانسته و گفت: «هر کاری که در حوزه کتاب و فرهنگ صورت بگیرد، در هر زمانی و به هر شکلی، اتفاق مبارکی است. حتی در شرایطی که سایه جنگ، گرانی و غم روی جامعه وجود دارد، نباید اجازه بدهیم چراغ فرهنگ خاموش شود؛ چون تعطیلی فرهنگ تبعات سنگینی دارد.

ضابطیان در بخش پایانی گفت‌وگو از انتشار کتاب تازه‌اش خبر داد: کتابی با عنوان «کافه پولونیا» که به گفته او حاصل بیش از یک سال پژوهش و نوشتن است. او می‌گوید این کتاب قرار بود اسفندماه منتشر شود، اما شرایط مختلف باعث شد انتشارش به تعویق بیفتد و حالا احتمالاً تا دو هفته آینده وارد بازار کتاب خواهد شد.

او درباره موضوع این کتاب توضیح داد: «کافه پولونیا: در واقع جست‌وجوی یک واقعه تاریخی است؛ از ورشو تا شهرهای مختلف ایران. محور اصلی کتاب درباره پناهندگان لهستانی است که در سال ۱۳۲۱ به ایران آمدند. در این کتاب با چند نفر از بازماندگان آن واقعه در لهستان گفت‌وگو کردم و در ادامه برای دنبال کردن رد پای آن‌ها به شهرهای مختلف ایران سفر کردم. این اثر اگرچه حال و هوای سفرنامه دارد، اما در اصل روایتی پژوهشی و تاریخی از مهاجرت و زیست پناهندگان لهستانی در ایران است؛ روایتی که از ورشو آغاز می‌شود و به شهرهای مختلف ایران می‌رسد.



مسعود فروتن، نویسنده و کارگردان

**نمایشگاه کتاب برای من یک بهشت دهروزه بود**

مسعود فروتن امسال حال و هوای متفاوتی نسبت به سال‌های گذشته دارد؛ حال و هوایی که خودش آن را «غم‌انگیز» توصیف می‌کند. او در گفت‌وگو با خبرنگار روزنامه صبا گفت: «نبود نمایشگاه کتاب برایم فقط حذف یک رویداد فرهنگی نیست، بلکه از دست رفتن بخشی از زیست و عادت سالانه‌ام است، برای من اردیبهشت همیشه به خاطر نمایشگاه کتاب قشنگ بود. امسال این ده روزی که قرار بود نمایشگاه برگزار شود، برایم ایام غم‌انگیزی است.»

فروتن اظهار کرد: «من اهل دنیای مجازی نیستم. برای همین برای اینکه بدانم فلان ناشر چه کتابی منتشر کرده یا کتابفروشی‌ها چه خبری دارند چندان به این فضا مراجعه نمی‌کنم. من کتاب را باید دستم

روز اول صفر ریال بوده و این فاجعه است.» عزیزی ادامه داد: «اختلال اینترنت و ضعف سیستم فروش باعث شده بسیاری از ناشران عملاً دیده نشوند. الان ناشر خصوصی مانده با اجاره، حقوق کارمند، هزینه چاپ و کاغذ. در حالی که فروش وجود ندارد. ناشرهای وابسته شاید مشکل کمتری داشته باشند، اما ناشر مستقل عملاً زیر فشار له می‌شود.» او در ادامه به گرانی شدید کاغذ اشاره کرد؛ بحرانی که به گفته بسیاری از فعالان نشر، مهم‌ترین تهدید امروز بازار کتاب است. در واقع کاغذی که زمانی بندی شش هزار تومان بود، الان بالای هفت میلیون تومان شده است. یعنی یک کتاب ۲۰۰ صفحه‌ای ممکن است به یک میلیون تومان برسد. مدیر انتشارات روزگار، اذعان داشت: در چنین شرایطی کتاب عملاً از سبد خرید مردم حذف شده است و مردمی که برای خرید کالاهای اساسی مشکل دارند، دیگر کتاب خریدن برایشان اولویت نیست. عزیزی همچنین معتقد است: دولت حمایت مؤثری از نشر انجام نمی‌دهد، اگر یارانه کاغذ، خرید کتاب برای کتابخانه‌ها و حمایت‌های قبلی برنگردد، آینده نشر ایران واقعاً نگران‌کننده است. ولی با همه این مشکلات؛ برگزاری نمایشگاه به شکل مجازی بهتر از تعطیلی کامل آن است. ولی بدون زیرساخت مناسب و حمایت اقتصادی، نمی‌تواند ناجی بازار نشر در ایران باشد.

**نمایشگاه مجازی؛ راه‌حل موقت یا آینده نشر؟**

اگرچه فضای مجازی امکان دسترسی گسترده‌تر به کتاب‌ها را فراهم می‌کند، اما چند چالش مهم باقی مانده است. یکی تعامل کم با مخاطب است چرا که تجربه حضوری، کشف کتاب‌های جدید و ارتباط مستقیم با نویسندگان و ناشر را فراهم می‌کند. همچنین تأثیر جدی بر شناخته شدن ناشران کوچک و فروش آنان دارد. چون پلتفرم‌های آنلاین معمولاً برای ناشران بزرگ بهینه شده‌اند و ناشران کوچک با محدودیت دیده شدن مواجه هستند. علاوه بر آن در بحث زیرساخت‌ها و دسترسی‌ها، قطعی اینترنت تجربه کاربری محدود، مانع جذب مخاطب کامل می‌شود. با این حال، تجربه مجازی فرصت‌هایی هم دارد، مانند دسترسی گسترده‌تر جغرافیایی، کاهش هزینه‌ها و امکان تحلیل داده‌های خرید و بازدید مخاطبان. با این حال نمایشگاه مجازی کتاب امسال، یک تجربه تاریخی و متفاوت بود؛ تجربه‌ای که هم فرصت و هم تهدید ایجاد کرده است. آینده نشر ایران نیازمند ترکیبی از تجربه‌های حضوری و دیجیتال است تا هم اقتصاد نشر و هم فرهنگ کتابخوانی تقویت شود. تجربه امسال دوباره این پرسش را مطرح کرده که آینده نمایشگاه کتاب تهران به کدام سمت خواهد رفت؛ بازگشت کامل به شکل حضوری یا حرکت به سمت مدل ترکیبی؟ واقعیت این است که فروش مجازی در سال‌های اخیر سهم بزرگی از اقتصاد نمایشگاه را به دست آورده و بسیاری از مخاطبان شهرستانی، شکل آنلاین را فرصتی برای دسترسی آسان‌تر به کتاب می‌دانند. اما در مقابل، ناشران و نویسندگان زیادی معتقدند نمایشگاه کتاب چیزی فراتر از یک فروشگاه اینترنتی است و حذف تجربه حضوری، بخشی از هویت فرهنگی آن را از بین می‌برد. و پرسش مهمتر

اینکه در شرایط بحران اقتصادی، گرانی کاغذ و افت شدید قدرت خرید، اساساً بازار کتاب ایران تا چه اندازه توان ادامه حیات دارد؟ پرسشی که پاسخ آن، نه فقط سرنوشت نمایشگاه کتاب، بلکه آینده فرهنگ مکتوب ایران را تعیین خواهد کرد.

